



سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ

● معصومه امینیان

■ سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ
 ■ زین‌العابدین مراغه‌ای
 ■ تهران، ۱۳۷۸، ۳مجلد

شرح حال مؤلف

حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در سال ۱۲۵۵ هـ ق در مراغه به دنیا آمد. پدرش مشهدی علی، بازرگان زاده ثروتمندی از مردم آذربایجان بود. وی از جمله کسانی بود که در تحولات قبل از مشروطه به اردوی آزادی‌خواهان و طرفداران اصلاحات پیوست. اجداد وی از اکراد ساوجبلاغ (مهاباد) و از خوانین آن دیار از فرقه شافعی بودند ولی بعدها به مذهب تشیع گرویدند و در مراغه مشغول کسب و کار و تجارت شدند.

زین‌العابدین در ۸ سالگی به دبستان رفت و مدت ۸ سال علم‌اندوزی نمود؛ در سن ۱۶ سالگی به حجره پدر رفت و مشغول تجارت گردید. در ۲۰ سالگی به اردبیل رفت و برای خود دم و دستگاه با کر و فری به راه انداخت و از آن به بعد مستقلاً زندگی اعیانی خود را ادامه داد. تا آنکه سرمایه‌اش را از دست داد و ورشکستگی و گرفتاری دامنگیرش شد، به طوری که زندگی در ایران برایش غیرقابل تحمل می‌نمود. مجبور شد با برادرش ترک وطن کند و با سرمایه‌ای کم عازم قفقاز شود. سه چهار سال در شهر تفلیس پایتخت گرجستان زندگانی گذراند و چندگاهی به اهتمام میرزا اسدالله خان ناظم‌الدوله ژنرال کنسول ایران در تفلیس به نایب قفسولی (ویس کنسولی) شهر کتابس رسید. وی در این مقام در یاری‌رساندن به ایرانیان مقیم خارج کوشش‌ها به خرج داد؛ ولی باز زندگیش دگرگون شد و مجبور شد دست‌خالی همراه برادر عازم کریمه شود. در آنجا دکانی به هم زدند و با کالاهای خریداری شده از استانبول کسب روزی می‌کردند.

در ملاقاتی که علی‌اکبر دهخدا با حاج زین‌العابدین مراغه‌ای در استانبول داشته است، از قول خود مؤلف نقل می‌کند که وی در آن زمان در کریمه سکنی داشت و در دکانی نزدیک قصر امپراطور به کسب مشغول بوده که با خانواده امپراطور آشنا می‌شود و آنها نیز او

را از کریمه خود بی‌نصیب نمی‌گذارند. همین امر سبب شهرت و بالا گرفتن کار مراغه‌ای می‌شود. بعد از چندی به استانبول می‌آید و کتاب ابراهیم بیگ را می‌نویسد و بنا به دلایل سیاسی، بدون اسم آن را منتشر می‌کند و بعد از برقراری آزادی، نام خود را هویدا می‌سازد. در استانبول تأهل اختیار می‌کند و صاحب سه فرزند می‌شود و با امتیاز توجه دربار نسبت به خود و آوازه درست‌کاری، برای تسهیل امور شغلی خود تابعیت روسیه را می‌پذیرد.

مراغه‌ای در استانبول در رفاه و آسایش به فعالیت‌های تجاری و ادبی خود پرداخت؛ اما چیزی که او را دمی آسوده نمی‌گذاشت، عشق و علاقه به میهن بود. همواره با وجدان خود در ستیز بود که چگونه در جایی که برادران او در وطن در زیر فشار جور و ستم حکام مستبد زندگی مشقت‌باری دارند، او در استانبول آرام و آسوده زندگی می‌کند. همین امر او را بر آن داشت تا با شوق و علاقه فراوان در راه خدمت به وطن و هم‌وطنان خود از راه قلم به مبارزات سیاسی بپردازد که حاصل این امر شاهکار بزرگ او رمان انتقادی، سیاسی، اجتماعی «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» یا بلای تعصب است که اثر ژرف در بیداری ایرانیان داشت. وی با روزنامه شمس استانبول و حیل‌المتین کلکته همکاری داشت و مقالات ارزشمندی برای آنها قلم زد. مراغه‌ای به سال ۱۳۲۸ هـ ق در سن ۷۳ سالگی در استانبول درگذشت.

معرفی کتاب

کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» در ۳ مجلد کاملاً مستقل نوشته شده است. چنانچه از زبان مؤلف در مقدمه جلد سوم برمی‌آید، فقط جلد اول و دوم آن تا ۱۲ سال بدون نام مؤلف به چاپ می‌رسیده و در محافل سیاسی و ادبی مورد توجه قرار گرفته است. و بعد از

این کتاب انتقاد همه جانبه‌ای از اوضاع آن روزگار ایران است. نویسنده این کتاب را وسیله‌ای برای بیان دردهای جامعه ایرانی و نشر اندیشه تازه سیاسی قرار داده است، به طوری که گفتار و برداشت سیاسی او به نظام مشروطه می‌انجامد و اثر او در زمره بهترین آثار مربوط به انقلاب مشروطیت قرار می‌گیرد

کتاب «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» مهم‌ترین اثر انتقادی - تحلیلی اواخر سده ۱۳ هجری است و نمونه بارز ادبیات رئالیستی دوره مشروطه. از آنجا که نویسنده نماینده طبقه بازرگان شرقی - طبقه‌ای با نشو و نمای اجتماعی تازه - است این کتاب در صد توجیه اقتصاد صنعتی - تجاری نیز هست

سرگرمی مردم به کارهای پوچ و بیهوده، احتکار، بی‌قانونی و وضعیت ناهنجار محکمه‌ها، فساد دربار، غفلت و بی‌خبری حکومت‌داران، نفوذ سیاسی استعمارگران، مالیات‌های سنگین، فقر و بدبختی، تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی در زندگی اعیان‌ها، جهل و ناآگاهی مردم، گرفتن رشوه و مناصب درباری نابه‌جا، وضع فلاکت‌بار روستاییان، عدم بهداشت در تمامی اماکن عمومی اعم از حمام‌ها، غذاخوری‌ها، مساجد و راه‌ها، شیوع بیماری و کمبود دارو و پزشک، عدم امنیت، پریشانی وضعیت ظاهری افراد، وضعیت نابسامان ارتش و سربازان، عدم نظم و کارایی در وزارت‌خانه‌ها، وضعیت نابسامان سفارت‌خانه‌ها و مسائل مهاجرین، عدم آزادی افکار و قلم و ...

ابراهیم‌بیگ که ایران را ندیده ولی از گفته‌ها و تعصبات پدرش درباره ایران، شهری آرمانی برای خود ساخته بود، از همان بدو ورود به مرز ایران، با اوضاعی کاملاً متفاوت با تخیلاتش مواجه می‌شود. با دیداری پریشان با مردمان زرد رنگ، لباس پاره، ضعیف، غرق در جهالت مقابل می‌شود که نه تنها کسی را ندارد که به اوضاع آن رسیدگی کند و برایش دل بسوزاند بلکه یک عده جاه‌طلب چپاول‌گر سودجو هستند که دائماً در فکر استعمار آنهایند و از همین جاست که غم و اندوه و حیرت سراپای ابراهیم‌بیگ را فرا می‌گیرد. او نمی‌تواند ساکت بنشیند و دم برنیاورد. اول به اندیشه آنکه می‌تواند با ملاقات رجال درباری و ارائه اصلاحات شخصی و سعی و تلاش اوضاع را عوض کند، خود را به در و دیوار می‌زند تا کاری کند، او می‌خواهد یک‌تنه با تمامی جهالت و عقب‌ماندگی و ظلم و ستم مبارزه کند؛ اما با غفلت و بی‌خبری حکومت‌داران مواجه می‌شود. بالاخره دست

استقرار مشروطه، جلد سومی نیز به آن افزوده می‌شود که در آن ترجمه حال مؤلف و سبب تألیف کتاب و لاحقات لازمه دیگر در نظر گرفته می‌شود. این اسلوب روش جدیدی در سنت داستان‌نویسی در این نوع است.

جلد اول با معرفی «ابراهیم بیگ» قهرمان داستان و دلیل و چگونگی عزیمت او به چین سفری با زبانی ساده و طنزآمیز و منتقدانه و در فضایی تیره و حزن‌آلوده آغاز می‌شود. ابراهیم بیگ فرزند یکی از تجار بزرگ آذربایجان مقیم در مصر است. پدرش ۵۰ سال پیش به عزم تجارت به مصر آمده و پس از موفقیت در کارش در آنجا رحل اقامت افکند بود. این تاجر درست‌کار پاک اعتقاد وطن‌پرست، با وجود آنکه در مصر مقیم بود ولی در تعصب ملی خود سخت پایبند بود و در این امر زبان‌زد خاص و عام بود. ابراهیم ۲۰ ساله بود که پدرش وفات کرد و در واپسین لحظات عمرش به پسر وصیت کرد که برای کسب تجارب و تجارت عالی به سیاحت پردازد و در سفر خود به دقت خرابی‌ها و آبادانی‌ها را ببیند و به وضع معیشت و زندگانی تمام سکنه آن دیار رسیدگی کند و همه را به تحریر درآورد.

بعد از وفات پدر، ابراهیم بیگ بنا به وصیت پدر عمل کرد و حتی در تعصب ملی از پدر پیش افتاد. وی به عزم زیارت مشهد مقدس و سیاحت ایران، با یوسف عمو لاله و مریخی خود به طرف ایران رهسپار می‌شود. وی از شهرهای بسیاری دیدن می‌کند. مسیر حرکت او از اسکندریه شروع می‌شود و پس از عبور و دیدن شهرهای اسلامبول، باطوم، تفلیس، رشت، مازندران، عشق‌آباد، مشهد، سبزوار، نیشابور، سمنان، دامغان، شاهرود، طهران، قزوین، زنجان، تبریز، اردبیل، مراغه، نبات، مرند، ارس، روسیه به اسلامبول می‌رود و به مصر برمی‌گردد.

ابراهیم بیگ بنا به وصیت پدر، از همان لحظات اولیه تمامی چیزهایی را که می‌بیند به رشته تحریر درمی‌آورد. او در حین عبور از شهرها، آنچه را که دیده و آنچه را که بر سرش آمده با دیدی نقادانه، به تفصیل بیان می‌دارد. ویرانی و خرابی، نبود حداقل امکانات رفاهی برای مردم، خرافه‌پرستی و بی‌سوادی، چپاول‌گری و دزدی مأموران دولتی، رسم و رسومات دست و پاگیر، وضعیت اسفبار دانش و دانش‌اندوزی، وضع مدارس و مکتب‌خانه‌ها، مراسم قومی و قبیله‌ای، نزاع‌ها و درگیری‌ها، بذله‌گویی و تفریحات، بی‌کاری و وقت‌کشی،



مختصری از کلامشان را با ذکر شخصیت نقل کند.

نقد اثر

کتاب «سیاحت‌نامهٔ ابراهیم بیگ» مهم‌ترین اثر انتقادی - تحلیلی اواخر سدهٔ ۱۳ هجری است. این رمان که نثری ساده و نسبتاً روان دارد نمونهٔ بارز ادبیات رئالیستی دورهٔ مشروطه است و از آنجا که نویسنده نمایندهٔ طبقهٔ بازرگان شرقی - طبقه‌ای با نشو و نمای اجتماعی تازه - است این کتاب در صدد توجیه اقتصاد صنعتی - تجاری نیز هست.

این کتاب انتقاد همه جانبه‌ای از اوضاع آن روزگار ایران است. در گشت و گذار شهرها، جز ظلم و ویرانی و فقر و نادانی چیزی نمی‌بیند. نویسنده این کتاب را وسیله‌ای برای بیان دردهای جامعهٔ ایرانی و نشر اندیشهٔ تازهٔ سیاسی قرار داده است، به طوری که گفتار و برداشت سیاسی او به نظام مشروطه می‌انجامد و اثر او در زمرهٔ بهترین آثار مربوط به انقلاب مشروطیت قرار می‌گیرد. مورخینی که تاریخ روزهای مشروطیت و پیش از آن را نوشته‌اند همواره از کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل بیداری ایرانیان نام برده‌اند.

م.ع سپانلو در مقدمهٔ کتاب بیان می‌دارد که :

«این کتاب هم از نظر نفوذ اجتماعی در عصر خویش و هم از دیدگاه تأثیر ادبی در سیر ادبیات نوین ایران، نقش تاریخی به‌سزایی

از تلاش می‌کشد و با کوله‌باری از تأسّف و ناامیدی قصد بازگشت می‌کند و بعد از طی مسیر طولانی به مصر باز می‌گردد.

جلد دوم از زبان یوسف عمو لله، و مربی ابراهیم بیگ، با معرفی خود و نقل حکایت و سرانجام ابراهیم بیگ آغاز می‌گردد. در این قسمت نیز مانند قسمت پیشین جوی غم‌بار و حزن‌انگیز داستان را فرا گرفته است. ابراهیم بیگ از معشوق اصلی خود که همان وطن است، مأیوس به مصر باز می‌گردد. در مصر محبوبه، نامزدش، پس از تحمل انتظار طولانی متأسفانه با ابراهیم بیگ نزاری مواجه می‌شود که از درد وطن روبه مرگ است. ابراهیم بیگ وطن‌پرست که دارای تعصب کورکورانه‌ای به وطن است از دیدن واقعیات تلخ وطن دیگر نمی‌تواند قد راست کند؛ در بستر بیماری می‌افتد و در راه وطن جان به جان آفرین تسلیم می‌کند.

در جلد سوم، در مقدمه، از زبان نویسنده با خودش آشنا می‌شویم. مؤلف در این قسمت خواننده را به یاد ابراهیم بیگ وطن‌پرست می‌اندازد. گویی این خود زین‌العابدین مراغه‌ای است که در کالبد ابراهیم بیگ دم از حب وطن می‌زند. بعد از معرفی، نکاتی دربارهٔ کتابش می‌نویسد و در این شیوه کاری منحصر به فرد ارائه می‌دهد و بعد از زبان یوسف عمو وقایع بعد از مرگ ابراهیم بیگ و خواب وی و ملاقات وی با ابراهیم بیگ در بهشت موعود در رو‌یایش از نکات جالب و ممتاز می‌باشد. در آخر این بخش نویسنده لازم دانسته که برای ارج از ادبای ایرانی

مورخینی که تاریخ روزهای مشروطیت و پیش از آن را نوشته‌اند
همواره از کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ به عنوان یکی از
مهم‌ترین عوامل بیداری ایرانیان نام برده‌اند

داشته است. از نظر نفوذ اجتماعی، ارزش سیاحت‌نامه در انقلاب مشروطه ایران، نظیر ارزش کتاب «قرارداد اجتماعی» اثر ژان ژاک روسو، در انقلاب کبیر فرانسه است.^۱

چاپ کتاب، بدون نام مؤلف آن تا ۱۲ سال، خود نمایانگر اثر به سزای سیاسی آن در محافل و مجالس سیاسی و محیط خفقان‌آور قبل از انقلاب مشروطه می‌باشد. احمد کسروی در این باره می‌گوید:

«ارج آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند. این کتاب داستان جوانی را از بازرگان‌زادگان ایرانی در مصر می‌سراید، که به آرزوی دیدن میهن خود، همراه لاله‌اش یوسف عمو، به ایران آمده و در پایتخت و دیگر شهرها هر چه دیده، از ناآگاهی مردم، و سرگرمی آنان به کارهای بیهوده و فریبکاری و ستمگری حکمرانان و بی‌پروایی دولت و مانند این‌ها با زبان ساده و شیرینی و با آهنگ دلسوزی به رشته نوشتن کشیده. انبوه ایرانیان که در آن روز، خو به این آلودگی‌ها و بدی‌ها گرفته بودند و جز از زندگانی بد خود به زندگانی دیگری گمان نمی‌بردند، از خواندن این کتاب تو گفتم از خواب بیدار می‌شدند و تکان سخت می‌خوردند. بسیار کسان را توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به نیکی کشور، آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند.»

نوشته‌های ابراهیم بیگ تمامی با صداقت و سادگی و آهنگ دلسوزانه قابل‌نگاشته می‌شوند؛ به طوری که خواننده خود را در فضای داستان قرار داده و همراه شخصیت‌هایش لحظه به لحظه مسیر را می‌پیماید و به چشم خود (البته از قلم ابراهیم بیگ) درد و محنت و بدبختی مسائل را می‌بیند و با گوشت و پوست حس می‌کند. خواننده با ابراهیم بیگ می‌گرید و با او شادی می‌کند.

خواننده در نگاه اول درمی‌یابد که در این کتاب سرگذشت و سرنوشت قهرمانان داستان در درجه دوم اهمیت قرار دارد و آنچه اصل است، هدف نویسنده برای بیان بدبختی و مشکلات و دردهای اجتماعی است. نویسنده ابراهیم بیگ را وسیله‌ای برای ابراز انتقادات و مشکلات قرار می‌دهد به طوری که در بسیاری از موارد او را از زندگی واقعی دور می‌کند و تبدیل به انسانی می‌کند که گویی تمامی حوایج بشری او در «حب وطن» ختم می‌شود. یحیی آرین‌پور در این بار می‌نویسد:

«سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ در واقع دایرةالمعارف جامع اوضاع ایران در اواخر قرن ۱۳ هجری است که با قلمی تند و بی‌پروا تحریر شده

است ... این کتاب هجویه استادانه‌ای است که اصول قدیمه ایران و اخلاق و عادات ناپسند ایرانیان را در ضمن تصویر یک رشته تابلوهای زنده و جاندار و بسیار دقیق و درست مورد ایراد و انتقاد قرار داده و در سازمان ادبی و اجتماعی آینده ایران تأثیر فراوان داشته است.^۲

از نظر ادبی این کتاب دارای معایبی است؛ اما این مسأله از ارزش سیاسی و اجتماعی آن نمی‌کاهد. سیر کند حوادث، فضای تیره و غم‌انگیز و تلخ حاکم بر داستان، شعرها و گفته‌های بیهوده و پراکنده بدون ذکر شاعر و نویسنده، قطعه‌های شعری طولانی به زبان ترکی، وفور واژگان ترکی استانبولی و روسی و ... از جمله معایب این کتاب می‌توان برشمرد.

این کتاب مانند پرده سینما تمامی بدبختی‌ها را به خواننده نمایش می‌دهد و از او می‌خواهد بر این مرثیه بگریزد؛ اما هیچ راه‌حلی برای رفع مشکلات ارائه نمی‌دهد. قهرمان داستان که غرق در تعصبات و تفکرات کورکورانه ملی‌گرایانه خود است و قائل به اصلاحات در کشور است، خود احتیاج به تعدیل تعصبات دارد. در کل می‌توان گفت این کتاب اثر خوبی برای تنبیه و بیدارسازی شعور سیاسی یک ملت است تا تعلیم و تربیت آن.

منابع

- ۱- مراغه‌ای، زین‌العابدین، **سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ**، نشر اسفار، چاپ اول، تهران ۱۳۶۴
- ۲- مستوفی، عبدالله، **شرح زندگانی من**، انتشارات زوار، تهران ۱۳۷۷
- ۳- آرین‌پور، یحیی، **از صبا تا نیما**، مؤسسه انتشارات فرانکلین، تهران ۱۳۵۰
- ۴- کسروی، احمد، **تاریخ مشروطه ایران**، چاپخانه تابان، تهران، ۱۳۲۰

پی‌نوشت:

- ۱- **سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ**، زین‌العابدین مراغه‌ای، به کوشش م.ع. سیانلو، تهران نشر اسفار، ۱۳۶۴، صفحه ۱ مقدمه
- ۲- **تاریخ مشروطه ایران**، احمد کسروی، جلد ۱، تهران، چاپخانه تابان، ۱۳۲۰، صفحه ۶۳
- ۳- **از صبا تا نیما**، یحیی آرین‌پور، ج ۱، مؤسسه انتشارات فرانکلین، ۱۳۵۰، ص ۳۰۹ و ۳۱۰